

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره

تاریخ: ۲ آبان ۱۴۰۱

موضوع جزئی: آیه ۴۷ - مطلب سوم: وجه برتری بنی اسرائیل بر عالمیان

مصادف با: ۲۷ ربیع الاول ۱۴۴۴

جلسه: ۳

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على محمد وآله الطاهرين واللعن على اعدائهم اجمعين

مطلب سوم: وجه برتری بنی اسرائیل بر عالمیان

در آیه ۴۷ مطالبی وجود دارد که تا بحال ما دو مطلب را توضیح دادیم. مطلب سوم درباره بخش اخیر آیه است: «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ». خداوند می فرماید من شما را بر عالمیان برتری دادم. در مورد این بخش باید چند نکته رسیدگی شود. یکی اینکه این تفضیل و برتری به چیست. دوم اینکه آیا منظور از عالمین، مطلق عالمین است یا غیر آن، و چرا خداوند این نکته را به آنها فرموده که من شما را بر عالمیان برتری دادم و این را برجسته کرده است.

۱. وجه برتری

اما راجع به تفضیل و برتری، ملاکها و معیارهایی برای آن ذکر کرده اند؛ از جمله این معیارها که من به آنها اشاره کردم و شاید مهم ترین آنها، تعداد زیاد پیامبران مبعوث شده از قوم بنی اسرائیل است؛ یعنی شاید در هیچ قومی این تعداد پیامبر مبعوث نشده است و اگر این را ما به عنوان ملاک تفضیل و برتری قرار دهیم، آنگاه حتی می توانیم بگوییم با این ملاک این برتری نسبت به همه عالمیان وجود دارد؛ یعنی در مورد امت پیامبر(ص) هم که تعبیر «كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ» وارد شده، آنها باز این جهت در آنها نیست که این همه پیامبر از آنها مبعوث شده باشد. لذا اگر ما ملاک برتری و فضیلت را کثرت انبیا و رسل مبعوث شده از این قوم قرار دهیم که این خیلی خالی از بعد هم نیست، آن وقت عالمیان هم به همان معنای خودش می تواند باقی بماند و مشکلی هم پیش نمی آید که چگونه از طرفی خداوند تبارک و تعالی می فرماید «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، اما ما یقین داریم که امت پیامبر(ص) برترین امتها نسبت به انبیا پیشین هستند. لذا دیگر جای این سؤال و شبهه نیست که لازمه این سخن آن است که اینها افضل از پیامبر(ص) و امت او باشند و حتی خود پیامبر(ص) را هم در بر بگیرد.

اما اگر بگوییم مجموعه ای از امور موجب برتری قوم بنی اسرائیل بر سایرین شده است، آن وقت باید بگوییم که منظور از عالمیان چیست و جای آن سؤال و شبهه وجود دارد.

به هر حال به نظر می رسد تفضیل قوم بنی اسرائیل و برتری دادن آنها بر دیگران، بالجمله نیست، فی الجمله است؛ این مرسوم و متعارف است که در مقام مقایسه مثلاً فی الجمله یک قوم یا گروهی بر دیگران ترجیح داده شود، اما این معنایش آن نیست که در همه جهات این برتری وجود دارد. بلکه با ملاحظه عوامل متعدد است؛ تنها یک عامل اینجا ملاک نیست. مسأله کثرت انبیا از این قوم، کثرت معجزاتی که در بین این قوم ظهور و بروز پیدا کرده، نعمت های مادی فراوانی که خداوند به اینها داده است. من به بخشی از اینها اشاره کردم؛ ملوک و پادشاهان فراوانی که از این قوم بر بخش های وسیعی از مردم و جهان حکومت می کردند و نعمت های معنوی و مادی مجموعاً، اگر همه اینها را با هم بسنجیم، یک برتری برای این قوم فی الجمله ایجاد می شود.

## اشکال

آن وقت اگرچه این برتری فی الجمله هم باشد، باز جای این سؤال هست که لازمه این مطلب آن است که اینها از خود پیامبر(ص) و امت پیامبر(ص) هم افضل باشند، در حالی که ما یقین داریم این چنین نیست، بالاتفاق این حرف باطلی است. راه‌هایی برای پاسخ به این سؤال طی شده است؛ یعنی چند جواب داده‌اند که باید ببینیم این جواب‌ها کدام درست است.

**پاسخ اول:** بعضی در کلمه عالمین تصرف کرده‌اند و گفته‌اند منظور از عالمین أى الجمع الكثير من الناس و نه همه، مثل اینکه شما در گفتگوها و محاورات عرفی می‌گویید یک دنیا آدم آنجا بود، یک عالم ماشین آنجا بود؛ این در محاورات رسم است. یک عالم آدم آنجا بود، مسلم منظور این نیست که همه انسان‌ها آنجا بودند، منظور این است که جمع کثیری آنجا بودند. اگر بگوییم عالم به معنای جمع کثیر من الناس است، آنگاه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید من شما را برتری دادم بر جمع کثیری از مردم؛ بنابراین مثل پیامبر(ص) و امت پیامبر(ص) از دایره عالمین خارج می‌شود. این یک پاسخ است که بعضی‌ها داده‌اند.

**بررسی:** لکن به نظر می‌رسد این برخلاف ظاهر این جمله و این کلمه است. بله، در اینکه مجازاً ما گاهی از عالم و عالمیان جمع کثیر من الناس را اراده می‌کنیم، این بحثی نیست و منعی هم در این وجود ندارد؛ ولی ظاهر این جمله و این کلام، مخصوصاً اینکه کلمه عالمین اطلاق می‌شود بر کل ماسوی الله، این با این احتمال سازگار نیست. یعنی مجموعاً این جواب با ظاهر این آیه به نظر می‌رسد ناسازگار باشد.

**پاسخ دوم:** بعضی گفته‌اند منظور این است که خداوند آنها را بر اهل زمان خودشان برتری داده؛ یعنی کأن خداوند فرموده انی فضلکم علی عالمی زمانکم، یعنی همه مردمان زمان خودتان؛ بالاخره بنی‌اسرائیل در آن دوره‌ای که زندگی می‌کردند، در یک دوره طولانی بودند، همواره برتری داده شدند بر سایر مردمان. قهراً دیگر شامل سایر مردمان در زمان‌های دیگر مخصوصاً امت پیامبر(ص) و خود پیامبر(ص) نمی‌شود. چون آن کسی که در آن زمان نبوده و بعداً موجود شده، اساساً کلمه عالمین بر او اطلاق نمی‌شود.

**بررسی:** به نظر می‌رسد که این جواب هم ناکافی است؛ برای اینکه هم خلاف ظاهر است، هیچ قرینه‌ای نیست که ما عالمین را حمل بر خصوص مردم آن زمان کنیم و مردم سایر زمان‌ها را از شمول آیه خارج کنیم. این جواب هم به نظر می‌رسد تکلف دارد و نیاز به مؤونه دارد.

**پاسخ سوم:** جواب دیگر این است که عالمین به عنوان جمع مذكر سالم که «ال» بر سر آن آمده و افاده استغراق و عموم می‌کند، نسبت به فعلی که در رابطه با آن است، مطلق است؛ یعنی «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، عام است در عالمین ولی در فضل مطلق است. در مطلق برخلاف عام، دیگر مسأله استغراق و شمول و دربرگرفتن همگان مطرح نیست. در مطلق آنچه که مهم این است که این طبیعت تحقق پیدا کند. به عبارت دیگر الطبیعة توجد بوجود فرد ما، یک مصداق از این طبیعت تحقق پیدا کند، در صدق طبیعت کافی است. بر این اساس، اگر یک مصداق و یک مورد از مجموعه نعمت‌هایی که خداوند به بنی‌اسرائیل عطا کرده برتر باشند، می‌توانیم بگوییم این جمله با محذور و مانعی مواجه نیست؛ یعنی خداوند که فرموده «وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، نه اینکه تصرف در عالمین کنیم، هیچ تصرفی در عالمین نمی‌کنیم بلکه می‌گوییم این فضل و برتری از یک حیث است مستنداً باطلاقه. به عبارت دیگر تفضیل و برتری بنی‌اسرائیل بر سایرین و بر همه عالمیان، از یک جهت است و فی الجمله و نه بالجمله؛ این بیان فنی همان است که در آغاز بحث به آن اشاره کردم. مثلاً فرض بفرمایید کسی در بین ده مؤلفه‌ای که هر کدام از آنها می‌تواند یک امتیاز

محسوب شود، علم، ثروت، موقعیت و قدرت، اعتبار اجتماعی، نفوذ داشتن، تأثیر کلمه، منزل و ماشین، ده‌ها شأن و امر مرتبط با یک شخص می‌تواند ملاک برتری باشد. خب حالا بگوییم فضل چون مطلق است و طبیعت مطلق با تحقق یک مصداق تحقق پیدا می‌کند، می‌توانیم به اعتبار آن فرد و مصداق بگوییم برتری داده شده است. در مورد بنی‌اسرائیل بالاخره یک مصداق در مورد آنها وجود داشته که به اعتبار آن برتری داده شده‌اند و آن هم همین مسأله کثرت انبیاء است. «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ» به اعتبار کثرت انبیاء مبعوث شده از قوم بنی‌اسرائیل و به این اعتبار بر همه عالمیان برتری داده شده‌اند؛ طبق این معنا و پاسخ، عموم عالمیان سر جای خودش باقی است، کل ماسوی الله را دربرمی‌گیرد، حتی پیامبر(ص) و امت او را؛ چون در این جهت امت پیامبر(ص) هم اینگونه نبودند که انبیاء فراوانی از میان آنان مبعوث شده باشد.

**بررسی:** این پاسخ می‌تواند به یک معنا صحیح باشد؛ اما بعید است که اینجا خداوند تبارک و تعالی به واسطه تنها یک مزیت و یک نعمت بگوید من شما را برتری دادم بر سایرین. مجموع این جمله و آیه و سیاق آن که امر به یادآوری نعمت می‌کند، «اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ»، به یاد بیاورید نعمتی را که من به شما دادم؛ نعمت را هم گفتیم منظور یک نعمت خاص نیست، بلکه جنس نعمت است که این شامل مصداق متعدد می‌شود. نتیجه آن برتری دادن قوم بنی‌اسرائیل بر سایر مردمان و همگان است. ظاهر این آیه با این معنا که بگوییم خداوند و تعالی فقط می‌خواهد بگوید از یک جهت شما را برتری دادم، با این سازگار نیست. می‌گوید من به شما نعمت دادم، یعنی همه چیز به شما دادم و اینکه من این نعمت را به شما دادم و نتیجه‌اش این شد که شما بر عالمیان برتری پیدا کردید و من شما را برتری دادم. این بعید است که بخواهیم با این معنا این را حمل کنیم بر یک معیار و ملاک و آن هم کثرت انبیاء مبعوث شده از این قوم .... معمولاً هم تا قرینه‌ای نباشد، کسی از یک جهت مثلاً از میان ده‌ها مزیت برتری پیدا کند، به طور مطلق این عنوان برتری را برای او به کار ببریم، اما با توجه به آن مطلبی که اول جلسه عرض کردم، اینکه بالاخره اینجا خداوند متعال فی الجمله مسأله برتری دادن را ذکر کرده و این برتری دادن بالاخره گذشته را دربرمی‌گیرد تا زمان خودشان و اینکه من شما را برتری دادم، یعنی تا به حال این برتری بوده، اما توجه داشته باشید در ادامه این چنین نماند. در جلسه گذشته هم اشاره شد که «وَضَرَبْتُ عَلَيْهِمُ الدَّلِيلَ وَالْمَسْكَنَةَ»، ناشکری و ناسپاسی بنی‌اسرائیل الا القلیل منهنم باعث شد که همواره ذلیل و مسکین شوند و مشکلات فراوان، نزاع‌ها و اختلافات در بین آنها پدید آمد. با توجه به این سرانجامی که پیدا کردند، بالاخره این برتری اولاً دوام پیدا نکرد و ثانیاً نسبت به همه عالمیان تحقق پیدا نکرد؛ ما نمی‌توانیم بگوییم فرض بفرمایید کسی در دوره‌ای برتری پیدا کرده، این من الازل الی الابد بگوییم این برتر است، یا اینکه در یک دوره‌ای برتری داشته، بگوییم این همواره خودش را بر همه عالمیان، از قبل و بعد برتر است.

### **نظر برگزیده در مطلب اول**

شاید در بین این پاسخ‌ها و نکاتی که گفته شد، به قرائنی که داریم در موارد دیگر و نظایر آن، شاید پاسخ دوم از بقیه مناسب‌تر باشد. اینکه ما بگوییم خداوند به اینها گفت من به شما برتری دادم، اما شما چه کردید؟! در دوران خودتان برترین بودید، اما این را از دست دادید؛ جایگاه مناسبی پیدا کردید، اما این جایگاه از کف رفت به خاطر ناشکری‌ها و ناسپاسی‌های خودتان. اتفاقاً چون در یک مقطعی اینها این چنین بودند، این پندار و گمان باطل در اینها ریشه دواند و ماندگار شد. لذا حتی یهودیان دوره پیامبر(ص) خودشان را برتر از همه می‌دانستند، الان هم همینطور است؛ الان هم یهودیان خودشان را نژاد برتر و منتخب و برگزیده می‌دانند؛

اینها همه ریشه در آن مطالب و مسائل گذشته دارد و اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، این یک جنبه‌ای بوده که کاملاً برای آنها ملموس بود و بنی اسرائیل در آن دوران کاملاً این را حس می‌کردند. لذا به ارث گذاشته می‌شود و استمرار پیدا می‌کند. خدا دارد یادآوری می‌کند و این یک چیز مخفی بر آنها نبوده است؛ اینها در آن شرایط واقعاً برترین قوم و برترین مردمان بودند. همه چیز برای اینها مهیا و جمع شده بود، چیزی کم نداشتند. این یک امر عیانی بود و خداوند متعال هم این را به عنوان یادآوری دارد می‌گوید «وَإِنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ»، نه اینکه یک امر مخفی بوده و آنها نمی‌دانستند و حالا خدا دارد آن را بیان می‌کند. یعنی از هر جهت اول عالم شدید، اما چه کردید؟ ناشکری و ناسپاسی کردید و به اینجا رسیدید. خداوند با کسی عقد اخوت نبسته که بگوییم در هر شرایطی هر کسی را حفظ کند؛ لذا این یک هشدار است برای همگان، نه فقط برای بنی‌اسرائیل.

بنابراین فکر می‌کنیم در بین این جواب‌ها با توجه به نکته‌ای که اول بحث گفتم و این پاسخ‌ها، این پاسخ دوم مناسب‌تر باشد که نظایری دارد. خداوند متعال می‌گوید اینها را در زمان خودشان واقعاً برترین قوم و ملت قرار داد، نعمت از این بالاتر؟ اما آنهایی که در آن زمان برترین نعمت‌ها در اختیارشان قرار گرفت و برتر دانسته شدند چه کردند. یعنی می‌خواهد یادآوری کند؛ بعد انتظار افزون‌تر از اینها را بیان کند. یعنی می‌خواهد بگوید اگر من شما را بر همگان برتری دادم، انتظار من از شما این است که امروز به پیامبر(ص) و دین او ایمان بیاورید. آن روز شما را برتری دادم، حالا امروز نوبت شماست که به این انسان برتر ایمان بیاورید، به دین برتر مؤمن شوید و داخل در امت برتر شوید.

«والحمد لله رب العالمين»